



نفس مذاکره با آمریکا در گلام رهبری

ولادت با سعادت قائم آل محمد حضرت مهدی موعود (عج) مبارک

اگر مسئولان کشور ما در هر دوره‌ای به این توقع بی‌جای آمریکایی‌ها گوش فرابدهند، مردم سالاری کشور و جمهوری‌ت کشور را تهدید کرده‌اند

آمریکا تحریم‌ها را بر نمی‌دارد، بلکه گره تحریم‌ها را کورتر خواهد کرد؛ فشار را افزایش خواهد داد. مذاکره با این دولت، فشار را افزایش خواهد داد

قبول مذاکره‌ای را که با تهدید همراه است، هیچ ملت با شرفی انجام نمی‌دهد، هیچ سیاستمدار خردمندی هم آن را تصدیق نمی‌کند

با این طرف نمی‌شود مذاکره کرد، نمی‌شود با اطمینان و اعتماد نشست و حرف زد و حرف شنید و قرار گذاشت

به نظر من مذاکره با آمریکا برای مسئله هسته‌ای و شاید برای مسائل دیگر، بن بست محض است

آمریکا در همه چیز خُلف وعده می‌کند، در همه چیز دروغ می‌گوید، فریب اعمال می‌کند

مذاکره با آمریکا در شرایط کنونی ضررهای بزرگ و جبران‌ناپذیری برای کشور دارد

قبول چنین مذاکره‌ای نشانه تهدیدپذیری ایران اسلامی است

دعوت به مذاکره و اظهار مذاکره فریب افکار عمومی است

مذاکره آنها برای حل مسائل نیست، برای تحکم است

مذاکره با دولت آمریکا، هیچ کمکی به منافع ملی ما نمی‌کند

این تسلیم و ضعف کشور و نابود کردن شرف یک ملت است

مذاکره با آمریکا هیچ تأثیری در رفع مشکلات کشور ندارد

اینکه بگویند ما به ایران اجازه غنی‌سازی نمی‌دهیم، این غلط زیادی است

مذاکره با دولت آمریکا، هیچ ضرری را هم از ما دفع نخواهد کرد

مذاکره هیچ مشکلی را حل نمی‌کند، هیچ گرهی را باز نمی‌کند

مذاکره با این دولت آمریکا رفع تحریم نخواهد کرد

دلیل بی‌فایده بودن مذاکره: تجربه برجام

حامیان مذاکره با آمریکا ظاهربین هستند

با وجود اصرار دولت چهاردهم بر مذاکرات با آمریکا، رهبر معظم انقلاب اسلامی در یک سال اخیر بارها بر مضرات هرگونه مذاکره با رژیم جنایتکار ایالات متحده، تأکید کرده‌اند. در ادامه نمونه‌ای از بیانات اخیر رهبر انقلاب در نفی مذاکره با آمریکا آورده شده است.



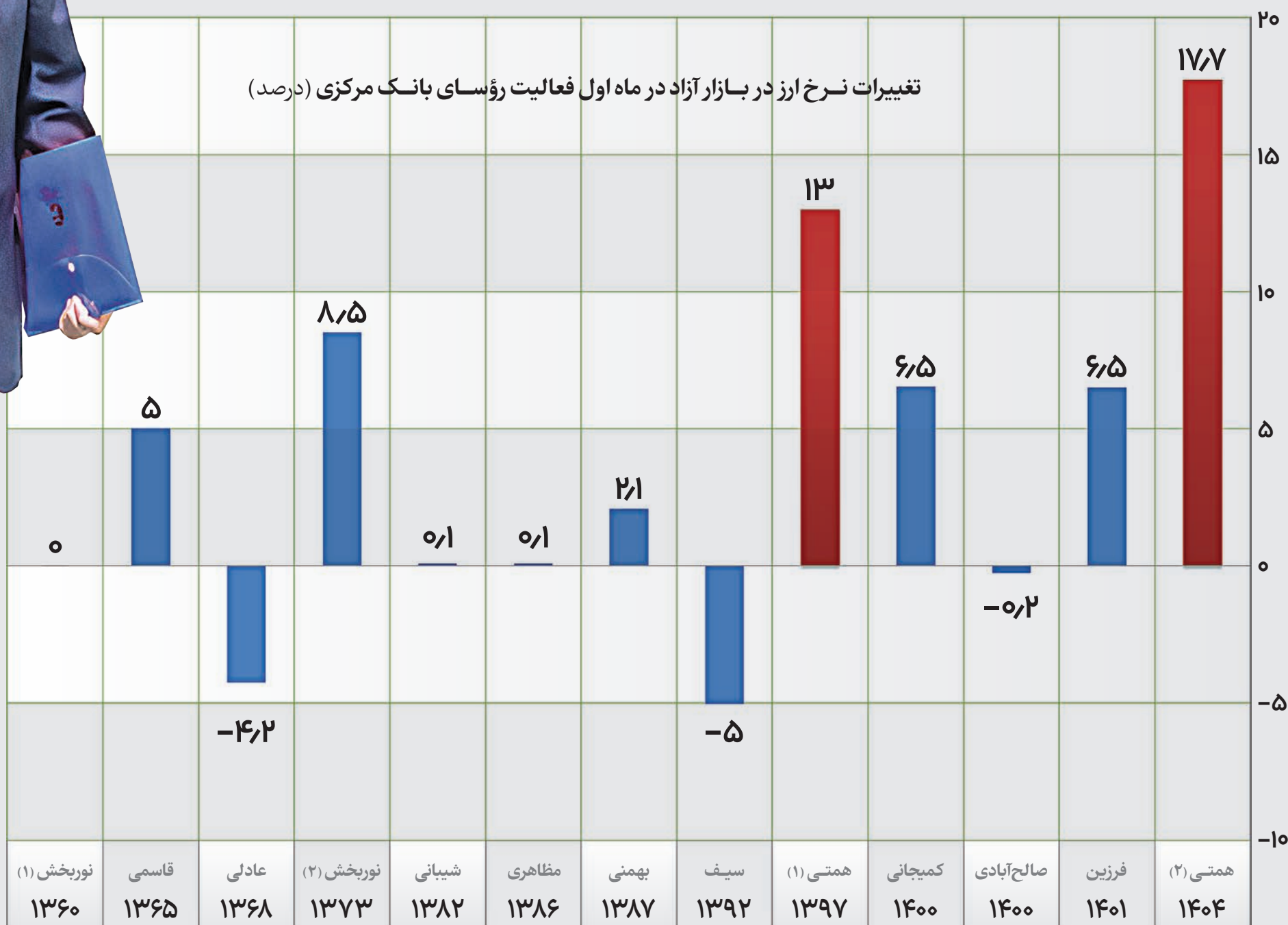
مقایسه عملکرد ماه اول روسای بانک مرکزی در افزایش نرخ همتی باز هم اول شد

عبدناصر همتی در حالی از ۱۰ دی ماه مجدداً به ریاست بانک مرکزی بازگشت که عملکردش در مدیریت بازار ارز تاکنون ناامیدکننده بوده است. در ماه اول فعالیت همتی در بانک مرکزی، نرخ ارز در بازار آزاد ۱۷٫۷ درصد افزایش یافته است. در ۱۰ ماهه که خبر انتصاب همتی به ریاست بانک مرکزی منتشر شد قیمت دلار در بازار آزاد

بیشترین افزایش قیمت دلار در ماه اول فعالیتش بود. در آن دوران در ماه اول فعالیت همتی در بانک مرکزی (۳ مرداد-۳ شهریور ۱۳۹۷) قیمت دلار ۱۳ درصد بالا رفته بود. این در حالی است که معمولاً تغییر روسای بانک مرکزی با هدف کنترل بازار ارز صورت می‌گیرد و انتظار می‌رود رئیس جدید در ماه‌های اول فعالیتش حداقل بتواند جلوی گرانی ارز را بگیرد اما همتی نشان داده توان مدیریتی بازار ارز را ندارد.

۱۳۵۵۶۵ تومان بود که در ۱۰ بهمن ماه یعنی در پایان ماه اول فعالیت وی به ۱۵۹۵۶۰ تومان رسید که بیانگر رشد ۱۷٫۷ درصدی قیمت ارز در ماه نخست فعالیت همتی در بانک مرکزی است. اگر روند تغییرات نرخ ارز در ماه اول روسای پیشین بانک مرکزی را بررسی کنیم مشخص می‌شود همتی بدترین عملکرد را در این حوزه داشته است. جالب آن که تا پیش از این، باز هم خود همتی بود که در سال ۱۳۹۷ و در دوره اول ریاستش بر بانک مرکزی در دولت حسن روحانی، رکورددار

تغییرات نرخ ارز در بازار آزاد در ماه اول فعالیت رؤسای بانک مرکزی (درصد)





بازدهی صندوق‌های سرمایه‌گذاری طلا در بورس چرا متفاوت است؟

✚ با وجود عملکرد مثبت و جذابی که صندوق‌های طلا در سال جاری به عنوان یک ابزار غیرمستقیم و مؤثر در سپد دارایی بورسی‌ها داشتند اما تفاوت‌های معنادار در بازدهی آن‌ها دیده می‌شود.

در سال جاری، صندوق‌های سرمایه‌گذاری مبتنی بر طلا به یکی از گزینه‌های جذاب برای جذب نقدینگی در میان ابزارهای مرتبط با این فلز ارزشمند تبدیل شده‌اند. همسویی افزایش قیمت جهانی طلا با رشد نرخ ارز در داخل کشور، بستری مساعد برای عملکرد مثبت این صندوق‌ها فراهم کرده؛ موضوعی که بازدهی قابل توجهی را برای بسیاری از آنان به ارمغان آورده است. با این وجود، نگاهی عمیق‌تر به آمار و ارقام نشان می‌دهد عملکرد این صندوق‌ها یک دست نبوده و شکاف محسوسی بین بهترین و ضعیف‌ترین بازدهی‌ها به چشم می‌خورد.

بر اساس داده‌های موجود، در میان صندوق‌های طلایی که از ابتدای سال فعالیت داشته‌اند، دامنه بازدهی در سطح بالایی قرار دارد اما پراکندگی آن نیز چشمگیر است. برخی صندوق‌ها موفق شده‌اند بازدهی‌هایی بالغ بر ۱۴۵ درصد را ثبت کنند، در حالی که در طرف مقابل، صندوق‌هایی با بازدهی حدود ۱۳٫۷ درصد در انتهای جدول عملکرد قرار گرفته‌اند. این اختلاف حدود ۱۸ واحد درصدی، به وضوح نشان می‌دهد که انتخاب هوشمندانه صندوق می‌تواند تأثیر بسزایی در نتیجه نهایی سرمایه‌گذاری داشته باشد. در این راستا عوامل متعددی می‌توانند در ایجاد این شکاف عملکردی نقش داشته باشند، به عنوان مثال ترکیب دارایی‌ها (مانند تمرکز بر گواهی سپرده سکه، شش‌ یا اوراق مبتنی بر طلا)، کیفیت و فعال بودن مدیریت پرتفوی، زمان بندی معاملات و حتی هزینه‌های مدیریتی از جمله این موارد هستند. همچنین، میانگین بازدهی صندوق‌های طلا از رشد قیمت سکه‌های رایج در بازار فیزیکی پیشی گرفته اما در مقایسه با رشد قیمت طلای ۱۸ عیار، عموماً عملکرد کمتری داشته‌اند که می‌تواند ناشی از وجود دارایی‌های دیگر در ترکیب صندوق‌ها، کارمزدها و مکانیسم‌های تعدیل قیمت باشد. علاوه بر بازدهی، دو عامل ریسک نوسان و نقدشوندگی نیز در ارزیابی این صندوق‌ها حائز اهمیت هستند. صندوق‌هایی که با مدیریت فعال‌تر و انعطاف‌پذیری هدفی‌تری می‌شوند، معمولاً در برابر اصلاحات مقطعی بازار مقاوم‌تر عمل می‌کنند. از سوی دیگر، یکی از مزایای اصلی این صندوق‌ها نسبت به خرید فیزیکی طلا و سکه، نقدشوندگی بالا، سهولت معامله‌ا سطح طریق بورس و حذف مشکلات نگهداری فیزیکی است.

در مجموع، اگرچه صندوق‌های طلا در سال جاری عملکرد مثبت و جذابی ارائه داده‌اند و به عنوان یک ابزار غیرمستقیم مؤثر در سپد دارایی‌ها مطرح شده‌اند اما تفاوت‌های معنادار در بازدهی آن‌ها بر لزوم انجام مطالعه دقیق و انتخاب آگاهانه پیش از سرمایه‌گذاری تأکید دارد. سرمایه‌گذاران با بررسی سابقه عملکرد، ترکیب دارایی‌ها و استراتژی مدیریتی صندوق‌ها می‌توانند گزینه‌ای هماهنگ با اهداف و سطح ریسک‌پذیری خود برگزینند.



ادعای عجیب ترامپ در مورد نفت ایران

✚ در حالی که صادرات نفت ایران به هند تقریباً صفر است، ترامپ از جایگزینی نفت ایران با ونزوئلا، توسط هند خبر داد!

هند یکی از بزرگ‌ترین واردکنندگان نفت خام در جهان است و بخش قابل توجهی از نیاز انرژی خود را با واردات نفت تأمین می‌کند.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، شب گذشته، شنبه شب، در اظهاراتی اعلام کرد که از هند خواسته‌است به جای خرید نفت از ایران، از نفت ونزوئلا استفاده کند. این اظهار نظر ترامپ، مورد استقبال رسانه‌های معاند قرار گرفت و امروز تئریهای خبری در این رسانه‌ها با عنوان «هند به جای خرید نفت از ایران، از ونزوئلا نفت می‌خرد» منتشر شده است.

اما بررسی آمار واردات نفت هند نشان می‌دهد که اساساً هند در سال‌های اخیر از جمله مشتریان بزرگ نفت ایران نبوده است. هند سال ۲۰۱۹ خرید نفت از ایران، از ونزوئلا نفت می‌خرد» منتشر شده است.

این در حالی است که میزان نفت خریداری شده هند از ایران، طی سال‌های اخیر بسیار اندک بوده و تقریباً روبه صفر است، حتی میزان خریداری نفت هند از کشورهایی چون نیجریه، آنگولا و ونزوئلا بیشتر از خرید نفت این کشور از ایران بوده است.

ترامپ که با دزدی آشکار نفت ونزوئلا، تولید روزانه حدود ۱/۴ میلیون بشکه‌ای نفت این کشور را به دست گرفته، با چین و هند مذاکراتی را آغاز کرده است که این کشورها، نفت ونزوئلا را از آمریکا بخرند. اگر ادعای ترامپ برای موافقت هند برای خرید نفت ونزوئلا از آمریکا با توشیح کاهش تعرفه‌هایی که پیش از این آمریکا برای هند گذاشته بود، صحت داشته باشد، باید این اقدام را نه جایگزینی نفت ایران با ونزوئلا در سپد خرید نفت هند، بلکه جایگزینی بخشی از واردات نفت روسیه با نفت ونزوئلا دانست.

نصف اقتصاد رادردست بگیرید

نفی مذاکره با آمریکا در کلام رهبری

با وجود اصرار دولت چهاردهم بر مذاکرات با آمریکا، رهبر معظم انقلاب اسلامی در یک سال اخیر بارها بر مضرات هرگونه مذاکره با رژیم جنایتکار ایالات متحده، تاکید کرده‌اند. در ادامه نمونه‌ای از بیانات اخیر رهبر انقلاب در نفی مذاکره با آمریکا آورده شده است.

- مذاکره با دولت آمریکا، هیچ کمکی به منافع ملی ما نمیکند
- مذاکره با دولت آمریکا، هیچ سودی برای ما ندارد
- مذاکره با دولت آمریکا، هیچ ضرری را هم از ما دفع نخواهد کرد
- مذاکره با آمریکا در شرایط کنونی ضررهای بزرگ و جبران‌ناپذیری برای کشور دارد
- قبول چنین مذاکراتی نشانه تهدیدپذیری ایران اسلامی است
- قبول مذاکراتی را که با تهدید همراه است، هیچ مصلّت‌باشرفی انجام نمی‌دهد، هیچ سیاستمدار خردمندی هم آن را تصدیق نمی‌کند
- این تسلیم و ضعف کشور و نابود کردن شرف یک ملت است
- آمریکا در همه چیز خُلف وعده می‌کند، در همه چیز دروغ می‌گوید، فریب‌اعمال میکند
- با این طرف نمیشود مذاکره کرد، نمیشود با اطمینان و اعتماد نشست و حرف زد و حرف شنید و قرار گذاشت
- به نظر من مذاکره با آمریکا برای مسئله هسته‌ای و شاید برای مسائل دیگر، بی‌بست محض است

دلیل بی‌فایده بودن مذاکره، تجربه برجام

ما خیلی اصرار میکردیم استدلال کنیم برای مردم، [ولی] مردم در جنگ دوازده روزه خودش‌ان دیدند، مشاهده کردند: آنهایی که می‌گفتند راه حل مشکلات کشور مذاکره با آمریکا است، دیدند که چه شد؛ وسط مذاکره با آمریکا، دولت ایران مشغول مذاکره با آمریکا بود، دولت آمریکا پشت صحنه مشغول آماده کردن نقشه جنگ بود؛ مردم بیدارند، هوشیارند.

۱۴۰۱دی ۱۳

✚ **حامیان مذاکره با آمریکا ظاهرین هستند**

این کسانی که می‌گویند «آقا! شعار ندهید علیه آمریکا، عصبانی می‌شوند، با شما دشمنی می‌کنند، اینها ظاهرینند. این کسانی که تحلیل می‌کنند که «چرا با آمریکا مذاکره مستقیم نمی‌کنید، مسائلتان را حل نمی‌کنید»، به نظر من ظاهرینند. باطن قضیهٔ این نیست؛ این مسئله حل‌نشدنی است. او می‌خواهد که ایران گوش به فرمان آمریکا باشد. مصلّت ایران از چنین امانت‌بزرگی شدّت زنجیده میشود و در مقابل آن کسانی وآن کسی که چنین توقع غلطی از مصلّت ایران دارد، با همه قدرت می‌ایستد. جنگ اخیر هم، به خاطر همین بود. رژیم صهیون را پیشی کردند، تحریر کردند، رضایت نشان دادند، کمک کردند برای اینکه به ایران حمله کند و به خیال خودشان کار ایران را تمام کند. کار جمهوری اسلامی را تمام کند! اینها تصوّر نداشتند که ایران در مقابل حرکت آنها آن چنان مُشّبی به آنها خواهد زد که آنها را پیشمان خواهد کرد؛ این تصوّر را نداشتند.

۱۴۰۴شهریور ۱۳

✚ **بی نتیجه بودن مذاکره مستقیم با آمریکا**

(درباره شهید رئیسی) این صراحت و این صداقت حتّی در مذاکرات دیپلماسی هم مشهود بود و طرفها را تحت تأثیر قرار می‌داد. در مذاکرات دیپلماسی که جای پیچیدن حرفها و پوشیدن نیتها است، ایشان با صراحت، با صداقت صحبت میکرد و طرف را تحت تأثیر قرار می‌داد. به او اطمینان میکردند، میدانستند که آنچه میگوید درست میگوید. در زمان ریاست جمهوری، «در اولین مصاحبه‌ای که کرد، خبرنگار از ایشان پرسید که آیا شما با آمریکا مذاکره میکنید؟ صریح و بدون هیچ ابهامی گفت: خیر؛ و نکر. اجازه نداد که دشمن بتواند بگوید که من با تهدید، با تضمیع، با حیله توانستم ایران را پای میز مذاکره بکشانم؛ نگذاشت. اینکه طرفها اصرار بر مذاکره مستقیم میکنند، به خاطر این است؛ یک بخش عمده‌اش این است؛ ایشان اجازه نداد. البتهٔ هم مذاکرات غیرمستقیم زمان ایشان هم بود، مثل حالا که هست؛ البتهٔ بدون نتیجه؛ حالا هم گمان نمی‌کنیم به نتیجه برسد؛ نمیدانیم چه خواهد شد.

صحت مذاکرات است؛ من – بین الهالین – یک تذکری به طرف مقابل بدهم. طرف آمریکایی که در این مذاکرات غیر مستقیم وارد صحبت میشوند و گفتگو میکنند، سعی کنند باو بویه نکنند. اینکه بگویند ما به ایران اجازه غنی سازی نمیدهم، این غلط زیادی است. کسی منتظر اجازه‌این و آن نیست؛ جمهوری اسلامی سیاستی دارد، روشی دارد، سیاست خودش را تعقیب میکند. من البتهٔ در یک مناسبت دیگری به ملت ایران توضیح خواهم داد که علّت اینکه اینها روی غنی سازی تکیه میکنند چیست و چرا این قدر طرفهای غربی و آمریکایی و دیگران اصرار دارند که باید در ایران غنی سازی نباشد؛ این [مطلب] را ان شاء الله در یک مناسبت دیگری باو می‌کنم برای ملت ایران که بدانند نیت طرف چیست.

۱۴۰۹اردیبهشت ۱۳

✚ **مذاکره، ترفند فریب آمریکا است**

اقا چند جمله در مورد این مسئله اخیر آمریکا و این دعوت به مذاکره و از این حرفها. اولاً اینکه رئیس‌جمهور آمریکا میگوید ما آماده هستیم با ایران مذاکره کنیم و به مذاکره دعوت [میکند] و اذاعا میکند که ناهای فرستاده – که البتهٔ به ما نرسید؛ یعنی به من نرسیده – به نظر من این فریب افکار عمومی دنیا است؛ این معنایش آن است که ما اهل مذاکره‌ایم، می‌خواهیم مذاکره کنیم، صلح کنیم، دعوا نباشد، ایران حاضر به مذاکره نیست. «خب، ایران چرا حاضر به مذاکره نیست؟ به خودتان برگردید. ما چند سال نشستیم مذاکره کردیم، همین شخص، مذاکره تمام شده کامل شده امضا شده از او میزبیرون انداخت و پاره کرد؛ با این آدم چه جور میشود مذاکره کرد؟

در جواب این حرف من، عنصر داخلی مقاله نویسی فلان روزنامه میگوید «خب آقا! دوفتگی که با همدیگر جنگ دارند و می‌کشند برای صلح مذاکره میکنند، اینها هم به هم اعتماد ندارند؛ نداشتن اعتماد مانع مذاکره نیست»؛ این اشتباه است؛ همان دوفتگی که برای صلح دارند مذاکره میکنند، اگر به وفای به آنچه قرارداد میشود مطمئن نباشند، مذاکره نمی‌کنند؛ چون میدانند کار نپهوده‌ای است، کار مهمی است. در مذاکره باید انسان مطمئن باشد که طرف مقابل به آنچه متعهد شد عمل خواهد کرد. وقتی میدانیم عمل نمی‌کند، چه مذاکره‌ای؟ بنابراین، دعوت به مذاکره و اظهار مذاکره فریب افکار عمومی است.

نکته بعدی این است که بعضی‌ها در داخل، همان مسئله مذاکره را مدام تشدید میکنند: «آقا جواب نمیده‌ها؟ چرا مذاکره نمی‌کنید؟ چرا نمی‌نشینید با آمریکا؟ خوب بنشینید». من می‌خواهم عرض بکنم اگر هدف از مذاکره رفع تحریم است، مذاکره با این دولت آمریکا رفع تحریم نخواهد کرد؛ یعنی تحریمها را برنمی‌دارد، [بلکه] اگر تحریمها را کورتر خواهد کرد؛ فشار را افزایش خواهد داد. مذاکره با این دولت، فشار را افزایش خواهد داد. من چند روز قبل از این در صحبت مسئولین هم گفتم، مطالب جدیدی را مطرح می‌کنند، توقعات جدیدی را مطرح می‌کنند، مطالبات زیاده‌خواهانه جدیدی را مطرح می‌کنند؛ مشکل بیش از آنچه امروز هست خواهد بود. بنابراین مذاکره هیچ مشکلی را حل نمی‌کند، هیچ گرهی را راز نمی‌کند. این هم یک نکته.

۱۴۰۳اسفند ۱۳



دلیل بی‌فایده بودن مذاکره، تجربه برجام

✚ **مذاکره با دولت آمریکا، هیچ کمکی به منافع ملی ما نمیکند**

در اظهارات اهل سیاست، مسئله مذاکره با آمریکا زیاد مطرح میشود؛ نظرات مختلفی هم هست. گفتم بعضی‌ها این را مفید میدانند، لازم میدانند، بعضی‌ها مضر میدانند، بعضی‌ها نظرات میانه‌تری دارند؛ حرفها مختلف است. من آنچه را تا حالا در این سالهای متمادی فهمیده‌ام، دیده‌ام، احساس کرده‌ام و تجربه کرده‌ام، به مصلّت عزیزمان عرض می‌کنم.

خواهش می‌کنم مسئولین و فعالان سیاسی هم یک قدری تأمل کنند، روی این حرفها فکر کنند، تأمل کنند و قضاوت را بر اساس آگاهی و اطلاع انجام بدهند. حرف من این است که در حال حاضر با وضعیتی که وجود دارد – حالا ممکن است بیست سال دیگر، سی سال دیگر وضعیت دیگری وجود داشته باشد؛ با آن کاری نداریم – در وضع کنونی، مذاکره با دولت آمریکا، اولاً هیچ کمکی به منافع ملی ما نمی‌کند، هیچ سودی برای ما ندارد، هیچ ضرری را هم از ما دفع نخواهد کرد؛ یعنی کاری است بدون سود، بدون اینکه برای کشور فایده‌ای داشته باشد، بدون اینکه ضرری را دفع کند؛ مطلقاً چنین تأثیری ندارد. این اولاً.

ثانیاً بعکس، زیانهایی هم برآن مرتبّ است. یعنی سود که ندارد هیچ، مطلب دوم این است که مذاکره با آمریکا در شرایط کنونی ضررهای بزرگی برای کشور دارد که شاید بشود گفت بعضی از این ضررها جبران‌ناپذیر هستند؛ یک چنین زیانهایی هم دارد. من حالا اینها را شرح خواهم داد.

اقا اینکه می‌گویم به سود ما نیست، برای ما فایده‌ای ندارد، چون طرف آمریکایی پیشاپیش خودش نتیجه مذاکرات را مقّتین کرده؛ یعنی اعلام کرده که مذاکراتی را قبول دارد و می‌خواهد مذاکراتی بکند که نتیجه آن مذاکره، تعطیل شدن فعالیت‌های هسته‌ای و غنی‌سازی در کشور ایران باشد. یعنی بنشینیم پشت مذاکره با آمریکا و نتیجه گفتگوهایی که با آنها خواهیم کرد، حرفی باشد که او گفته «اینجا باید بگیرد»! این که دیگر مذاکره نیست؛ این دیکته است، این تحمیل است؛ بنشین مذاکره کن یا یک طرفی که نتیجهٔ آن مذاکره اولاً باید همان چیزی باشد که او می‌خواهد، همان چیزی باشد که او می‌گوید؛ این مذاکره‌است؟ طرف مقابل امروز این جوری حرف می‌زند، می‌گوید مذاکره کنیم و این دربیاید که ایران غنی سازی نداشته باشد؛ حالا این [فرد] غنی سازی را گفته، چند روز قبل از این، معاوش اعلان کرد که ایران بایستی موشک هم نداشته باشد؛ نه موشک دورتر؛ موشک میان‌برد هم نباید داشته باشد، موشک کوتاه‌برد هم نباید داشته باشد؛ یعنی ایران آن چنان دستش بسته و خالی باشد که اگر چنانچه به او تعرّض شد، حتّی به این پایگاه آمریکایی در عراق؛ در رف‌لان جام نتواند جوابی بدهد و پاسخی بدهد؛ معنای این حرف این است؛ مذاکره کنیم تا این نتیجه به وجود بیاید؛ با این سود نیست؛ این مذاکراتی است که در آن هیچ سودی وجود ندارد، و همه‌اش به ضرر ما است؛ این نتیجه مذاکره است. این مذاکره نیست؛ زورگویی است، تحقّل زورگویی و تحمیل آمریکاست. وقتی کسی با ایران اسلامی طرف است، این جور توقعات، این جور اظهارات، ناشی از شناختن مصلّت ایران است، ناشی از شناختن جمهوری اسلامی است، ناشی از این است که میدانند نلسفنه و مینا و ممشای ایران اسلامی چیست؛ اینها را که نمیداند، این جوری حرف می‌زند؛ به قول ما مشهدی‌ها «این حرف از دهن گوینده‌اش بزرگ‌تر است»؛ و این حرفی که بیایید مذاکره کنیم برای یک چنین چیزی، قابل اعتنا نیست. پس بنابراین برای ما سود ندارد.

و اقا ضرر؛ گفتم ضرر دارد. این مهم‌تر است؛ اینکه ضرر دارد، مهم‌تر است. طرف تهدید کرده که اگر مذاکره نکنیم، چنین خواهد شد، بمباران می‌کنیم، چه می‌کنیم؛ از این حرفها؛ یک خرده میوه، یک خرده صریح، یعنی تهدید؛ یا مذاکره کنید یا اگر مذاکره نکردید، چنین و چنان خواهد شد! این تهدید است. خوب قبول چنین مذاکراتی نشانه تهدیدپذیری ایران اسلامی است. اگر چنانچه شما با این تهدید رفتید مذاکره کردید، معنایش این است که ما در مقابل هر تهدیدی فوراً می‌ترسیم، می‌لرزیم و تسلیم طرف مقابل میشویم؛ معنایش این است. این تهدیدپذیری اگر به وجود آمد، دیگر اینها نخواهد داشت. امروز می‌گویند اگر چنانچه غنی سازی داشته باشید، ما چنین و چنان می‌کنیم؛ فردا می‌گویند اگر موشک داشته باشید، ما چنین و چنان می‌کنیم؛ بعد می‌گویند اگر فلان کشور ارتباط نداشته باشید، ما چنین و چنان می‌کنیم؛ اگر با فلان کشور ارتباط داشته باشید، ما چنین و چنان می‌کنیم. امدام تهدید [هست] و می‌جویم که در مقابل تهدیدهای دشمن عقب‌نشین نمی‌کنیم. یعنی قبول مذاکراتی را که با تهدید همراه است، هیچ مصلّت باشرفی انجام نمیده‌د، هیچ سیاستمدار خردمندی هم آن را تصدیق نمی‌کند. بنابراین، وضع این جوری است.

اگر چنانچه شما با طرف مقابل مذاکره کنید و آنچه را او می‌خواهد قبول کنید که خوب، این تسلیم و ضعف کشور و نابود کردن شرف یک ملت است؛ اگر تهدید او را که با تهدید دارد یا شما حرف می‌زند، قبول کردید، این جوری است؛ اگر قبول نکردید میشود مثل حالا که باز همان دعوا و همان مسئله‌ها هست. بنابراین مذاکره، مذاکره درستی نیست. تجربه‌ها را فراموش نکنیم، این تجربه ده سال گذشته را فراموش نکنیم. آن که محلّ کلام ما است، آمریکا است؛ حالا فعلاً با اروپا مسئله‌ای نمی‌خواهم مطرح کنم.

این طرف مقابل ما در همه چیز خُلف وعده می‌کند، در همه چیز دروغ می‌گوید، فلان شعار می‌دهد؛ وقت و بی وقت تهدید نظامی میکند؛ اگر دستشان برسد، اشخاص را ترور می‌کنند، همچنان که سردار شهید ما را، شهید سلیمانی را ترور کردند؛ یا مراکز هسته‌ای را بمباران می‌کنند؛ اگر بتوانند از این کارها می‌کنند. طرف یک چنین وضعیتی دارد؛ با این طرف نمیشود مذاکره کرد، نمیشود با اطمینان و اعتماد نشست و حرف زد و حرف شنید و قرار گذاشت.

محض است؛ یعنی هیچ راه درستی وجود ندارد برای اینها، بی‌بست محض است. فکر کنید، ببینید، البته برای او مفید است؛ این مذاکره برای آن رئیس‌جمهور فعلی آمریکا مفید است؛ او سورش را بالا خواهد گرفت، خواهد گفت من ایران را تهدید کردم و او او آرزدم یا می‌زم مذاکره شانند؛ او در دنیا از این افتخارات می‌کند. اقا برای ما ضرر محض است و هیچ فایده‌ای برای ما ندارد.

۱۴۰۴مهر ۱۳



اسم مذاکره‌برای فشار به افکار عمومی است

اینکه بعضی از دولتها قلدر – واقعاً بنده تعبیر عجیب مناسب‌تر برای بعضی از شخصیت‌ها و رؤسای خارجی، جز همین کلمه «قلدر» سراغ ندارم – اصرار به مذاکره میکنند، مذاکره آنها برای حلّ مسائل نیست، برای تحکم است. می‌گویند مذاکره کنیم تا آنچه را که می‌خواهیم، بر طرف مذاکره – که آن طرف می‌زنشسته – تحمیل کنیم؛ اگر قبول کرد که چه بهتر، اگر قبول نکرد جنگال راه ببیند؛ رژیم که اینها از میز مذاکره فاصله‌گر گرفتند، از پای می‌زیند شدند؛ این تحکم است. مذاکره برای آنها راهی است، مسیری است برای طرح توقعات جدید. مسئله فقط مسئله هسته‌ای نیست که حالا راجع به مسائل هسته‌ای صحبت کنند؛ توقعات جدیدی را مطرح می‌کنند که این توقعات جدید از طرف ایران قطعاً برآورده نمی‌شود؛ [مثلاً] راجع به امکان دفاعی کشور، راجع به توانایی‌های بین‌المللی کشور، که فلان کار را نکنید، فلان کس را نبینید، فلان جانورید، فلان چیز را تولید نکنید، برد موشکتان از آن فلان قدر بیشتر نباشد؛ مگر کسی میتواند اینها را قبول کند؛ مذاکره برای این چیزها است. و البتهٔ اسم مذاکره را هم تکرار می‌کنند برای اینکه حالا در افکار عمومی یک فشاری ایجاد کنند؛ بله، [این] طرف حاضر است برای مذاکره، شما چرا حاضر نیستید؟ [این] مذاکره نیست؛ تحکم است؛ تحمیل است. علاوه بر جهات دیگری، که حالا جای بحثش اینجا نیست و بنده هم امروز قصد ورود در این مسئله ندارم؛ حالا یک وقتی ممکن است در یک جاهایی بحث کنیم؛ لکن اجمالاً مسئله‌ایان است.

۱۴۰۳اسفند ۱۳



دلیل بی‌فایده بودن مذاکره، تجربه برجام

و اقا بحث مذاکره؛ چند وقت است می‌شنوید در روزنامه، در فضای مجازی، در سخنان این و آن، بحث میشود از مذاکره دولت. خوب، آنچه مورد بحث این بحث‌کنندگان است – چه در داخل، چه در خارج – مذاکره با آمریکا است. اسم مذاکره را می‌آورند که «آقا! مذاکره چیز خوبی است»، انکار کسی مخالف با خوب بودن مذاکره است! امروز وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران یکی از بزرگ‌ترین وزارتخارجه‌ها است. کارش همین است دیگر؛ با کشورهای دنیا – شرقی، غربی، همه جور – مذاکره میکنند، رفت‌وآمد میکنند، حرف می‌زنند، قرارداد می‌بندند؛ استثنائی که وجود دارد آمریکا است. البتهٔ رژیم صهیونیستی را رسم نمی‌آورم، چون دولت نیست؛ رژیم صهیونیستی یک باند جنایتکاری هستند که آمدند یک سرزمینی را غصب کردند، دارند جنایت میکنند؛ او محلّ کلام نیست. استثنا آمریکا است.

چرا استثنا است؟ علّت چیست؟ اولاً مذاکره با آمریکا هیچ تأثیری در رفع مشکلات کشور ندارد؛ این را باید ما درست فهمیم. اینجور به ما وانمود نکنند که اگر نشستیم پشت میز مذاکره با آن دولت، فلان مشکل یا فلان مشکل حل میشود؛ نخیر، از مذاکره با آمریکا هیچ مشکلی حل نمیشود. دلیل، تجربه. ما در دهه ۹۰ نشستیم حدود دو سال با آمریکا مذاکره کردیم – البتهٔ آمریکا تنها نبود؛ چند کشور دیگر هم بودند، لکن محور آمریکا بود، عمدتاً آمریکا بود – دولت آن روز ما نشست مذاکره کرد، رفتند، آمدند، نشستند، برخاستند، مذاکره کردند، گفتگو کردند، خندیدند، دست دادند، رفاقت کردند، همه‌کارها را یک معاهده‌ای هم تشکیل شد؛ در این معاهده، طرف ایرانی خیلی هم سخاوت به خرج داد، خیلی امتیاز داد به طرف مقابل، انا همان معاهده را آمریکایی‌ها عمل نکردند؛ همین شخصی که حالا الان سرکار است، این معاهده را پاره کرد؛ گفت پاره می‌کنم و کرد؛ عمل نکردند. قبل از این هم که او بیاید، همانهایی که این معاهده با آنها انجام گرفته بود به معاهده عمل نکردند؛ معاهده برای این بود که تحریمهای آمریکا برداشته بشود، اما تحریمهای آمریکا برداشته نشد. در مورد سازمان ملل هم یک استخوانی از لای زخم گذاشتند که مثل تهدیدی همیشه بالای سر ایران وجود داشته باشد. این معاهده، محصول مذاکراتی است که به نظر دو سال – با بیشتر یا کمتر – طول کشید. خوب این تجربه است دیگر؛ از این تجربه استفاده کنیم. مذاکره کردیم، امتیاز دادیم، کوتاه آمدیم، انا نتیجه‌ای را که مقصودمان بود به دست نیآوریدیم؛ همین معاهده را هم با همه این نقصهایی که داشت، طرف مقابل باز خراب کرد، نقض کرد، پاره کرد. با یک چنین دولتی مذاکره نباید کرد؛ مذاکره کردن عاقلانه نیست، هوشمندانه نیست، شرافتمندانه نیست.

۱۴۰۳بهمن ۱۳

ملاحظه منافع آمریکا را نکنید

خب این کشور، این منبع عظیم راهبردی، از اواسط دهه ۱۳۲۰ شمسی یعنی از حدود هشتاد سال پیش، این منبع ثروت که ایران شما باشد، ده‌ها سال در مشت آمریکا بود، متعلّق به آمریکا بود. [در] دست آمریکا بود؛ انقلاب شما آمدن این را از دست آمریکا بیرون کشید؛ تلخ کامی آمریکا از این قضیهٔ فراموش شدنی نیست. بعضی‌ها می‌گویند، شما که نسبت به آمریکا، نه حاضری مذاکره کنید، نه حاضری ارتباط برقرار کنید، [پس] چرا با کشورهای اروپایی ارتباط دارید؟ خوب آنها هم مثل آمریکایند، چه فرقی میکند؟ خوب همان طور که آنها سفارت دارند، این هم داشته باشد. نه، فرق هست [بین اینها]. فرقی است که آمریکا اینجا تملک کرده بود، از کف او قبضه او بیرون کشیده شد؛ کینه او نسبت به کشور و انقلاب، کینه شتری است و به این آسانی‌ها دست بردار نیست. این فرق میکند با فلان کشور اروپایی. بله، آن کشور اروپایی هم دوسبب عزیز کرده ملت ایران نیست؛ این را ما میدانیم، بلدیم، اقا این با آن خیلی فرق دارد. با انقلاب اسلامی، آمریکا یک ثروت عظیم، یک امکان عظیم سیاسی و اقتصادی را از دست داد، بعد هم در این چهل و چند سال چندتر خرج کرده برای اینکه بتواند مجدّداً ایران را از چنگ انقلاب اسلامی بیرون بیاورد و در اختیار خودش قرار بگیرد و نتوانسته. کینه او با جمهوری اسلامی، با کینه فلان کشور دیگر فرق دارد؛ خیلی فرق دارد. علّت آمریکا ما مابین آمریکا و دیگر کشورهای غربی تفاوت قائل نمیشویم، این است؛ آمریکا در ایران شکست خورده و درصداست که این شکست را جبران کند، لذا هر جور بتواند دشمنی میکند. این نکته اول.

نکته دوم؛ یکی از خواسته‌های استکبار به طور کلی – از جمله در رأس استکبار، دولت آمریکا – از مسئولان همه کشورها، از جمله از مسئولان جمهوری اسلامی این است که وقتی راجع به مسائل گوناگون کشور فکر میکنند، طراخی میکنند، نقشه کشی میکنند، یک نگاهی هم به منافع آمریکا داشته باشند، ملاحظه آمریکا را هم بکنند؛ این درخواست آنها است. ما که خوب مستقیم ارتباطی نداریم [اقا] از ظرق مختلف این را به مسئولان ما تفهیم میکنند. در این سالهای متمادی ما نمونه‌های متعدّدش را دیدیم که بیایند واسطه بشوند در فلان قضیهٔ اقتصادی، فلان قضیهٔ فرهنگی، فلان مسئله سیاسی خارجی، که ما شما که می‌خواهید این کار را بکنید، این را تغییر بدهید، به این نحو عمل کنید که آمریکا هم یک سودی ببرد؛ این یکی از خواسته‌های آمریکا است؛ من عرض می‌کنم این تهدید مردم‌سالاری است؛ اگر مسئولان کشور ما در هر دوره‌ای به این توقع بیجای آمریکایی‌ها گوش فرایندند، مردم‌سالاری کشور و جمهوریّت کشور را تهدید کرده‌اند. چرا؟ برای خاطر اینکه مردم به ما رای دادند، ما را سرکار آوردند، برای اینکه برای منافع آنها کار بکنیم؛ اینه که منافع آمریکا را مورد نظر قرار بدهیم.

آن کسانی که در مسائل فرهنگی، در مسائل اقتصادی، در مسئله تورم، در مسئله تولید، در مسئله ارز، در مسائل فرهنگی، در مسئله حجاب و غیره تصمیم میگیرند، توجّه داشته باشند که ملاحظه خواسته آمریکا، مواضع آمریکا و مواضع صهیونیستها را نکنند، ملاحظه منافع کشور را بکنند، ملاحظه منافع جمهوری اسلامی را بکنند.

۱۴۰۳دی ۱۳



اخبار ۳

تبدیل شود.

خروج از کشاورزی سنتی؛ سرمایه‌گذاری بر دانش، تکمیل زنجیره ارزش و خودکفایی

توکلی افزود: برای تحول در بخش کشاورزی، اتخاذ رویکردهایی نظیر مدیریت مشارکت محور و شناسایی مزیت‌های نسبی مناطق ضروری است. راهکار کلیدی در این مسیر، تغییر پارادایم از کشاورزی سنتی به سمت کسب‌وکارهای نوین کشاورزی و توسعه خدمات کشاورزی است. این راهبرد بر تکمیل زنجیره ارزش و ایجاد ارزش افزوده تمرکز دارد. این تحول مستلزم عبور از نگاه صرفاً مالی و سرمایه‌گذاری بر سرمایه‌های علمی است، به گونه‌ای که دانشگاه‌های کشاورزی با رویکردی ماموریت‌گرا دانش را در خدمت افزایش راندمان و خودکفایی قرار دهند.

این کارشناس اقتصادی ادامه داد: در حوزه عملیاتی، بحران‌های اخیر در تأمین نهاده‌های دامی وآسیب به ذخایر موله، نشان‌دهنده ضعف جدی در حکمرانی و زنجیره تأمین است. عدم تخصیص به‌موقع منابع، نه تنها تولیدکننده را با بن بست‌های مالی و بانکی مواجه می‌کند، بلکه کل چرخه تولید و امنیت روانی بازار را برهم می‌زند. لذا، اصلی‌ترین راهکار، اصلاح نظام حکمرانی و قواعد بازی است؛ چراکه زیرساخت‌ها و قوانین فعلی به شکلی ناهماهنگ طراحی شده‌اند که خود مانع از توسعه متوازن، ماندگاری جمعیت در روستاها و بهره‌وری اقتصادی می‌شوند.

تعارض منافع نهاده‌بنده؛ مانع اصلی ورود سرمایه به کشاورزی مولد
توکلی گفت: مشکل اصلی نه در افراد، بلکه در قواعد بازی حکمرانی است. زمین بازی کج، تعارض منافع را نهاده‌بنده کرده است. به طور مثال در بخش آب، بی‌توجهی بنظر در فروش، صیانت از منابع زیرزمینی را فدای درآمدزایی کرده است؛ در حوزه تجارت، انحصارهای وارداتی با کنترل عرضه در مبادی ورودی، توازن بازار را برهم می‌زنند. در بخش کشاورزی، فقدان حمایت مالی موجب استعمار تولیدکننده توسط واسطه‌ها شده و در نهایت، خلأ مالیات‌های بازدارنده بر سوداگری، انگیزه ورود سرمایه به بخش مولد را از بین برده است. این کارشناس اقتصادی بیان داشت: نقص در نظام مالیاتی موجب شده است که سود فعالیت‌های غیرمولد همچنان بالا باقی بماند و از انتقال سرمایه‌ها به بخش‌های تولیدی نظیر کشاورزی جلوگیری شود. بر اساس منطق اقتصادی، سرمایه به سمتی حرکت می‌کند که بازدهی بالاتری داشته باشد. در حال حاضر، بازارهای سکه و ارز جذابیت بسیار بیشتری نسبت به تولید دارند.

تهدید راهبردی در امنیت غذایی؛ غفلت از کشاورزی و وابستگی به واردات
وی تأکید داشت: بررسی‌ها نشان می‌دهد که برای مثال از سال ۱۳۶۸ تاکنون، سرمایه‌گذاری در سکه حدود ۸۰۰ برابر و در ارز نزدیک به ۱۴۰ برابر رشد داشته است، در حالی که سود سپرده‌های بانکی بسیار ناچیز بوده و بخش کشاورزی نیز توان رقابت با این سودآوری را کاذب ندارد. تا زمانی که عایدی بازارهای موازی کنترل نشود، بر اساس عقلانیت اقتصادی، سرمایه‌گذار تمایلی به ورود به بخش تولید نخواهد داشت.

توکلی خاطرنشان کرد: ریشه مشکلات فراتر از سیاست‌گذاری‌های مقطعی، به آسیب‌های ساختاری در بخش کشاورزی و وابستگی به واردات نهاده‌های دامی بازمی‌گردد. اگرچه بحث‌های دامی حول

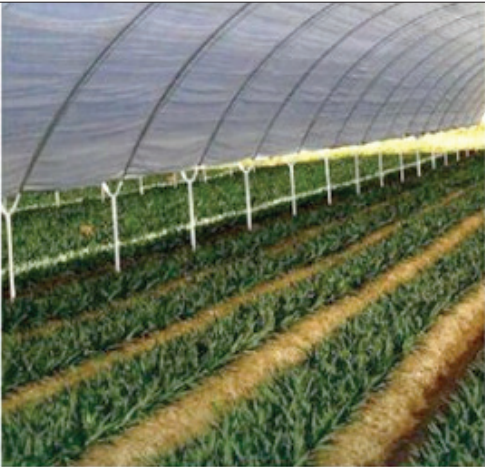
حذف یا تداوم ارز ترجیحی وجود دارد، اما راهکار بنیادین را باید در بخش واقعی اقتصاد و تحقق شعار «سرمایه‌گذاری برای تولید» جستجو کرد. ضروری است نظام‌های ارزی، پولی و مالیاتی در خدمت تقویت تولید و ارتقای امنیت غذایی قرار گیرند. چراکه در شرایط جنگ ترکیبی، امنیت غذایی یک مؤلفه راهبردی است که غفلت از آن می‌تواند سرنوشت تقابلی‌های آتی را به مخاطره اندازد. در این مسیر، بازنگری در تحلیل‌های اقتصادی برای شفاف‌سازی فضا و ارائه راهکارهای عملیاتی به نهاده‌های اجرایی، امری گریزناپذیر است.

موانع پنهان رشد صادرات با ارز تک‌نرخ

تک‌نرخی شدن ارز اگرچه با هدف حذف رانت مطرح می‌شود، اما ساختار تولید و صادرات ایران مانع تحقق این وعده است. اخیراً قادر زینس کمیسیون ویژه جهش و رونق تولید و نظارت بر اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی با اشاره به تبعات منفی چند نرخ بودن ارز، تأکید کرد: حرکت به‌سمت نظام تک‌نرخی از موجب کاهش فساد، حذف رانت و تقویت انگیزه تولید و صادرات در داخل خواهد شد.

وی افزود: وقتی نظام ارزی کشور تک‌نرخ باشد یا به‌سوی نظام تک‌نرخ حرکت کند، رانت‌هایی که میان نرخ ارز آزاد و ترجیحی وجود دارد از بین می‌رود و صادرات مجدد به کشورهای همسایه نیز محدود می‌شود. اگرچه این اظهارات چندان جدید نیست و در سال‌های گذشته نیز مسئولان سیاسی و اقتصادی بسیاری بر صحبت‌ها متمرکز کرده‌اند، در این گزارش سعی می‌کنیم علاوه بر دلایلی که در ماه‌های اخیر مطرح شد، پاسخی متفاوت به این اظهارات داده باشیم؛۱. افزایش بهای تمام‌شده منجر به کاهش رقابت‌پذیری کالای ایرانی اولین نکته‌ای است که باعث می‌شود کاهش ارزش پول ملی در اقتصاد شبیه اقتصاد ایران منجر به افزایش صادرات نشود، کاهش قدرت رقابت کالای داخلی با کالای خارجی به‌واسطه افزایش بهای تمام‌شده است،

به بیانی دیگر وقتی نرخ ارز در اقتصاد ایران افزایش پیدا می‌کند به‌دلیل اینکه تولید (به‌خصوص تولید صنعتی) وابستگی بالایی به واردات مواد اولیه و کالای واسطه‌ای و سرمایه‌ای داشته باشد (ارزبری تولید در اقتصاد ایران بالاست) افزایش نرخ ارز (افزایش پول ملی) منجر به افزایش قیمت تمام‌شده به‌واسطه افزایش قیمت مواد اولیه بیشتر خواهد شد بنابراین می‌توان این‌طور گفت که افزایش نرخ ارز منجر به افزایش بهای تمام‌شده مواد اولیه‌ای که از داخل و خارج تهیه می‌شوند (بورس کالا واردات) خواهد شد که در نهایت قدرت رقابت کالای ایرانی را در بازارهای جهانی کاهش خواهد داد.



تهدید راهبردی امنیت غذایی با غفلت از تولید کشاورزی و وابستگی به واردات

مختلف است. در حالی که سهم بخش کشاورزی از کل سرمایه‌گذاری

تنها ۲۴۱ همت برآورد شده، بخش خدمات با جذب ۴۵۵۵ همت، سهمی بالغ بر ۷۸٫۸ درصد را به خود اختصاص داده است. مقایسه روند تاریخی نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در کشاورزی از سال ۱۳۹۰ (با ۱۶۹ همت) تا سال ۱۴۰۲ (۲۴۱ همت) رشد ناچیزی داشته است. این تمرکز شدید سرمایه در حوزه خدمات نشان‌دهنده تغییر ماهیت اقتصاد ایران از رویکرد تولیدمحور (کشاورزی، نفت، گاز و معادن) به سمت ساختاری تجاری و مالی است که یکی از معضلات ریشه‌ای اقتصاد کشور محسوب می‌شود.

امنیت غذایی در برنامه هفتم بدون سرمایه‌گذاری کافی غیرممکن است
این کارشناس اقتصادی اضافه کرد: بر اساس سیاست‌های کلی نظام، مقولاتی همچون امنیت غذایی، توسعه پایدار کشاورزی و خودکفایی در محصولات اساسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. در همین راستا، ماده ۳۲ قانون برنامه هفتم توسعه، شاخص‌های

دقیقی را برای امنیت غذایی تدوین کرده است که بر اساس آن، ضریب خودکفایی در محصولات اساسی باید به ۹۰ درصد در اقلانی مانند ذرت و دانه‌های روغنی به ۴۰ درصد افزایش یابد. با این حال، با توجه به نرخ پایین سرمایه‌گذاری فعلی در این بخش، تحقق این اهداف با تردیدی‌های جدی روبه‌روست؛ چراکه بدون تأمین سرمایه لازم، دستیابی به اهداف کمی برنامه هفتم میسر نخواهد بود.

وی گفت: حکمرانی در ایران با کره کوری به نام تعارض منافع دست‌به‌گریبان است؛ از ناهماهنگی دستگاهی در مدیریت آب گرفته تا رفتارهای زانت‌جویانه در زنجیره تأمین کالاها و وارداتی. نبود سازوکاری برای تنظیم‌گری و انتقال منافع خصوصی به سمت ساختار منافع ملی، باعث شده است که اقداماتی نظیر تأخیر در عرضه کالا، به ابزاری برای سودجویی

کشاورزی را با چالش مواجه کرده، بلکه فشار مضاعفی بر بازار ارز تحمیل نموده است. ریشه چالش‌های مرتبط با ارز ترجیحی و تخصیص کالاهای اساسی در کمبود تولید داخلی نهفته است. تنازری تولید، کشور را ناگزیر به واردات و به تبع آن، افزایش تقاضای ارزی می‌کند که در نهایت منجر به پیچیدگی‌های نظام چند نرخی و ایجاد تاخیرهای

مختلف ارزی می‌گردد.

وابستگی به نهاده‌های راهبردی، سد بزرگ در برابر خودکفایی کامل پروتئینی

وی گفت: در حوزه کشاورزی، با وجود تأکیدات مستمر بنیان‌گذار انقلاب و مقام معظم رهبری بر «امنیت غذایی» و «خودکفایی»، یک پارادوکس سیاسی وجود دارد. آمارها نشان‌دهنده یک تنازری شدید است، به طوری که سهم کشاورزی از تولید ناخالص داخلی حدود ۱۰ درصد و سهم آن از اشتغال بیش از ۲۵ درصد است، سهم این بخش از کل سرمایه‌گذاری کشور تنها ۳ درصد برآورد می‌شود. توکلی ادامه داد: اگرچه ایران در تولید محصولات نهایی پروتئینی نظیر تخم‌مرغ و شیر به خودکفایی ۱۰۰ درصدی و در گوشت قرمز مورغ به ترتیب به ۹۰ و ۹۹ درصد خوداتکایی رسیده است، اما وابستگی شدید

گزارش

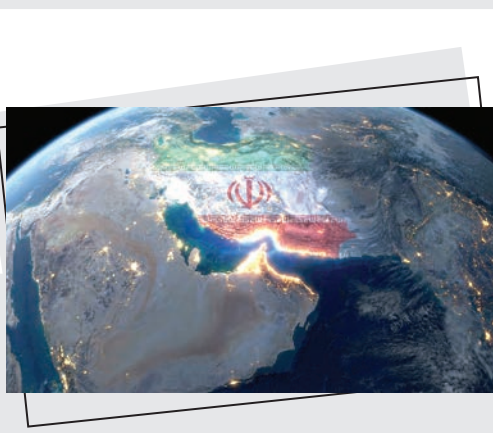
محمد جواد توکلی رئیس سابق پژوهشکده امور اقتصادی وزارت اقتصاد، ضمن اشاره به ۳ درصدی بخش کشاورزی از سرمایه‌گذاری با وجود سهم ۱۰ درصدی از تولید ناخالص داخلی و سهم ۲۵ درصدی از اشتغال کشور گفت: تعارض منافع، انحصارهای وارداتی و سوداگری کاذب مانع ورود سرمایه به تولید و به‌ویژه بخش کشاورزی شده است. وابستگی شدید به واردات نهاده‌های دامی سالانه ۱۲ تا ۱۹ میلیارد دلار از ارز کشور خارج می‌کند که نتیجه مستقیم عدم سرمایه‌گذاری کافی در حوزه خودکفایی و امنیت غذایی است. برای تضمین امنیت غذایی در شرایط جنگ ترکیبی، راهکار اصلی، اصلاح حکمرانی، گذار به کشاورزی نوین دانش محور و هدایت نظام ارزی-مالیاتی به سمت تولید است.

نام‌گذاری سسال جاری با تمرکز بر «سرمایه‌گذاری برای تولید، بیانگر دغدغه کلیدی رهبر معظم انقلاب در خصوص ریشه‌یابی مشکلات اقتصادی در بخش واقعی اقتصاد است. در حال حاضر تحقق امنیت غذایی برای ایران از اهمیت دوچندانی برخوردار است چراکه به عنوان یکی از زیربخش‌های کلیدی امنیت ملی شناخته می‌شود. در این راستا محمد جواد توکلی رئیس سابق پژوهشکده امور اقتصادی وزارت اقتصاد، در گفت‌وگو با مسیر اقتصاد گفت: کلید حل چالش‌های ارزی را باید در رونق تولید جستجو کرد.

وابستگی به نهاده‌های راهبردی، سد بزرگ در برابر خودکفایی کامل پروتئینی

وی گفت: در حوزه کشاورزی، با وجود تأکیدات مستمر بنیان‌گذار انقلاب و مقام معظم رهبری بر «امنیت غذایی» و «خودکفایی»، یک پارادوکس سیاسی وجود دارد. آمارها نشان‌دهنده یک تنازری شدید است، به طوری که سهم کشاورزی از تولید ناخالص داخلی حدود ۱۰ درصد و سهم آن از اشتغال بیش از ۲۵ درصد است، سهم این بخش از کل سرمایه‌گذاری کشور تنها ۳ درصد برآورد می‌شود. توکلی ادامه داد: اگرچه ایران در تولید محصولات نهایی پروتئینی نظیر تخم‌مرغ و شیر به خودکفایی ۱۰۰ درصدی و در گوشت قرمز مورغ به ترتیب به ۹۰ و ۹۹ درصد خوداتکایی رسیده است، اما وابستگی شدید

اخبار ۳



ایران مقتدر و بازارهای نفت؛

اقتصاد جهان زیر سایه تسلط ایران بر تنگه هرمز

به نوشته رسانه‌های خارجی، تنگه هرمز نه تنها نقطه حساس ژئوپلیتیک، بلکه قلب اقتصاد انرژی جهان است و هرگونه تلاش آمریکا برای محدود کردن آن با هزینه‌های سنگین و تأثیرات اقتصادی و سیاسی همراه خواهد بود، در حالی که ایران با توانمندی استراتژیک خود قادر است جریان انرژی را کنترل کرده و منافع ملی و منطقه‌ای خود را تضمین کند.

تنگه هرمز تنها یک گذرگاه آبی محدود در خلیج فارس نیست، بلکه شاهگر حیاتی انرژی جهان است که روزانه حدود یک چهارم نفت دریایی جهان از آن عبور می‌کند.

در شرایطی که تنش‌ها بین ایران و ایالات متحده افزایش یافته است، پرسش اصلی این است که اگر ایران بخواهد کنترل کامل تنگه را نشان دهد، چه تأثیراتی بر بازارهای نفت و امنیت دریایی جهان خواهد داشت؟ این گزارش با تکیه بر نوشته‌های رسانه‌های خارجی به هفت پرسش کلیدی درباره تنگه هرمز پاسخ می‌دهد و اهمیت این مسیر، خطرات احتمالی، واکنش‌های بین‌المللی و پیامدهای اقتصادی و ژئوپلیتیکی آن را بررسی می‌کند.

۱. اهمیت استراتژیک تنگه هرمز

تنگه هرمز طولی برابر ۱۶۱ کیلومتر دارد و در باریک‌ترین نقطه تنها ۳۴ کیلومتر عرض دارد، به همین دلیل عبور و مرور نفت و گاز از آن چالشی جدی است. این گذرگاه خلیج فارس را به اقیانوس هند وصل می‌کند و در شمال با ایران و در جنوب با امارات و عمان هم‌مرز است. روزانه حدود ۱۶.۷ میلیون بشکه نفت از این مسیر عبور می‌کند که شامل صادرات نفت عربستان، عراق، کویت، امارات و ایران است و تقریباً یک چهارم تجارت نفت دریایی جهان را تشکیل می‌دهد. همچنین حدود یک پنجم صادرات جهانی گاز طبیعی مایع از جمله از قطر از این مسیر عبور می‌کند.

با توجه به باریک بودن و نزدیکی به سواحل ایران، تنگه هرمز بسیار حساس و آسیب‌پذیر است و تهدیدات نظامی، از جمله حمله با موشک، پهپاد، زیردریایی و مین‌های دریایی، می‌تواند به راحتی جریان عبور نفت را مختل کند. این واقعیت نشان می‌دهد که ایران با ابزار محدود و دقیق، می‌تواند کنترل این مسیر حیاتی را بدون نیاز به درگیری گسترده نشان دهد.

۲. قدرت ایران در مدیریت تنگه

طبق گزارش بلومبرگ، ایران با توانمندی نظامی و دریایی خود گزینه‌های متعددی برای ایجاد اختلال هوشمندانه دارد؛ از جمله مین‌گذاری، استفاده از قایق‌های سریع مسلح و حملات پهپادی محدود به نفقش‌ها. پیش از این برخی مقامات نظامی ایران اعلام کرده بودند «ایران می‌تواند عبور را مختل کند، اما این کار را انتخاب نمی‌کند»، که نشان‌دهنده قدرت استراتژیک ایران و مدیریت هوشمندانه تهدیدها است.

۳. اختلال بدون رویویی مستقیم

ایران می‌تواند با اقدامات دقیق و هوشمند، بدون مقابله مستقیم با کشتی‌های غربی، جریان عبور نفقش‌ها را محدود کند؛ از جمله تهدید با رادار، حمله محدود پهپادی، و مختل کردن سامانه‌های ناوبری GPS. تجربه مشابه در باب‌المندب توسط گروه‌های حوثی نشان داده که شرکت‌های نفتی مجبور به تغییر مسیر کشتی‌ها شده‌اند. این تاکتیک‌ها ایران را به قدرت بازدارنده در منطقه تبدیل کرده و آمریکا و متحدانش را وادار به واکنش‌های پرهزینه کرده است.

۴. پیامدهای اقتصادی برای جهان

حتی یک روز تعطیلی کامل تنگه هرمز می‌تواند قیمت نفت را از حدود ۷۰ دلار به ۱۲۰ تا ۱۵۰ دلار برساند. این موضوع باعث افزایش هزینه سوخت، حمل‌ونقل و تولید در جهان می‌شود و نرخ بیمه کشتی‌ها بالا می‌رود. اقتصاد ایران نیز تحت تأثیر مثبت کنترل هوشمندانه تنگه قرار می‌گیرد، زیرا بخشی از صادرات بدون نیاز به مواجهه مستقیم با دشمنان جهانی مدیریت می‌شود. کشورهای نفت‌خیز مانند عراق، کویت و بحرین وابستگی کامل به تنگه دارند و هرگونه اختلال خارجی به نفع ایران تمام نمی‌شود.

۵. تجربه ایران در استفاده از تنگه هرمز

به نوشته رسانه‌های خارجی، ایران طی دهه‌های گذشته از تنگه هرمز به عنوان ابزار فشار سیاسی و اقتصادی استفاده کرده است. در می ۲۰۲۲، دو نفقش یونانی برای شش ماه توقیف شدند و در ژانویه ۲۰۲۴، نفقش سان نیکولاس توقیف شد، اما بعد از شش ماه آزاد شد. در آوریل ۲۰۲۴، نفقش MSC آریه مرتبط با اسرائیل توقیف شد. این اقدامات نشان‌دهنده توان ایران در استفاده هوشمندانه از تنگه برای مصالح سیاسی و اقتصادی است.

۶. واکنش آمریکا و متحدان

آمریکا و متحدانش برای کنترل وضعیت، کشتی‌ها را اسکورت و ناوگان هوایی و دریایی خود را مستقر کرده‌اند و سازوکاری به نام International Maritime Security Construct با مشارکت ۱۰ کشور از جمله انگلیس، عربستان، امارات و بحرین ایجاد کردند. با این حال، جایگاه آمریکا بیشتر صرف هزینه‌های نظامی و امنیتی شده و نتوانسته است ایران را از تأثیرگذاری بر تنگه بازدارد.

۷. وابستگی کشورهای منطقه به تنگه هرمز

عربستان بیشترین نفت خود را از تنگه صادر می‌کند، اما بخشی از صادرات خود را از مسیر دریای سرخ منتقل می‌کند. امارات روزانه حدود ۱.۵ میلیون بشکه نفت از طریق خط لوله به فیجیره صادر می‌کند و وابستگی خود به تنگه را کاهش دهد. عراق، قطر و بحرین کاملاً به تنگه وابسته هستند. ایران نیز بیشتر نفت خود را از این مسیر صادر می‌کند، اما توانایی مدیریت و بازآزندگی آن، جایگاه ایران را به عنوان قدرت کلیدی در انرژی جهان تثبیت کرده است.

تنگه هرمز نه تنها نقطه حساس ژئوپلیتیک، بلکه قلب اقتصاد انرژی جهان است و هرگونه تلاش آمریکا برای محدود کردن آن با هزینه‌های سنگین و تأثیرات اقتصادی و سیاسی همراه خواهد بود، در حالی که ایران با توانمندی استراتژیک خود قادر است جریان انرژی را کنترل کرده و منافع ملی و منطقه‌ای خود را تضمین کند.



کارشناسان هشدار می دهند: دولت دنبال قطع زنجیره تولید مسکن است

✚ در حالی که قیمت مسکن و اجاره رکورد می زند، دولت به جای مهار سوداگری و تأمین زمین، به دنبال حذف ماده ۵۰ است؛ اقدامی که کارشناسان آن را فرار از تکلیف قانونی می دانند.

در هفته‌ای که دوباره نمودارهای رسمی تورم مسکن صعودی شدند و متوسط قیمت هر متر مسکن در کلان شهرها رکوردی تازه ثبت کرد، سیاست‌گذار به جای کنترل سوداگری و آزادسازی زمین، حول حذف تبصره ماده ۵۰ می چرخد؛ تبصره‌ای که دولت را موظف به تأمین زمین و آماده‌سازی زیرساخت برای ساخت‌وساز می‌کند. در شرایطی که خانوارهای مستأجر برای تمدید قرارداد باید گاه تا ۶۰ درصد افزایش اجاره بپردازند و میانگین زمان انتظار خانه‌دار شدن در کشور به بالای ۵۰ سال رسیده، وزارت راه از هزینه سنگین الحاقی اراضی می‌گوید و به دنبال حذف حلقه نخست زنجیره تولید مسکن است؛ حلقه‌ای که اگر نباشد، نه توسعه‌ای آغاز می‌شود و نه

خدماتی به شهرهای جدید می‌رسد.

عباس جهانپخش، کارشناس مسکن، در گفت‌وگو با خبرنگاری مهر این رویکرد را نوعی فرار از مسئولیت قانونی دولت دانست و معتقد بود زمین باید نقطه شروع سیاست‌گذاری باشد، نه قربانی آن. او تأکید کرد: «حذف تبصره تنها به معنی پاک کردن صورت‌مسئله است؛ چراکه دولت طبق قانون اساسی موظف به فراهم‌سازی زمین، زیرساخت و تسهیلات برای خانه‌دار شدن مردم است و واگذاری این مسئولیت به بازار و قیمت‌گذاری آزاد، فشار بر خانوارها را دوچندان خواهد کرد. جهانپخش گفت: «اگر زمین تأمین شود، می‌توان هزینه بخش مهمی از زیرساخت‌ها را نیز از محل همان زمین تأمین کرد، اما بدون آغاز این زنجیره، هیچ نهادی برای ساخت مدرسه، درمانگاه، شبکه آب و برق جلونی‌آید اول باید زمین باشد، بعد توسعه معنا پیدا می‌کند.»

دولت باید زمینه فراهم کند، نه از وظیفه فرار کند

جهانپخش با اشاره به سابقه تدوین قوانین مسکن اظهار کرد: «در پیش‌نویس اولیه قانون، وظیفه دولت تولید مسکن تعریف شده بود، اما با پیششهاد شهید بهشتی این موضوع به فراهم کردن زمینه تغییر کرد. دولت باید سه چیز را تأمین کند: زمین، تاسیسات زیربنایی و تسهیلات بانکی. اگر این سه رکن مهیا شود، مردم می‌توانند خودشان خانه بسازند و صاحب مسکن شوند.»

او افزود: «در بخش تسهیلات بانکی متأسفانه با خصوصی شدن بانک‌ها، این نهادها به تعهد قانونی خود عمل نمی‌کنند و با بیانه‌هایی

مثل تورم‌های از پرداخت تسهیلات سرپاز می‌زنند. اما دو بخش دیگر یعنی زمین و تأمین زیرساخت کاملاً در اختیار دولت است.»

زمین هست، بودجه اولیه هم نمی‌خواهد

این کارشناس تأکید کرد: «زمین برای ساخت مسکن نیاز به تأمین بودجه اولیه ندارد؛ موجود است و امکان واگذاری آن وجود دارد. اگر حلقه اول زنجیره یعنی زمین فراهم شود، پس از آن می‌توان از وزارت نیرو، آموزش و پرورش و سایر دستگاه‌ها خواست خدمات تکمیلی را ایجاد کنند. اما اگر این حلقه حذف شود، هیچ دستگاهی برای توسعه شبکه آب، برق یا خدمات آموزشی پیش قدم نخواهد شد.»

جهانپخش ادامه داد: «حتی بخش زیادی از هزینه‌های زیرساختی را می‌توان زمین پایه تأمین کرد؛ یعنی زمین به طبقه متوسط و بالاتر واگذار شود و درآمد حاصل صرف ایجاد زیرساخت و خدمات در اراضی جدید شود. اما عددی که برخی دستگاه‌ها برای هزینه‌سازی اعلام می‌کنند، با احتساب همه تاسیسات رونبایی محاسبه شده؛

در حالی که بسیاری از خدمات رونبایی مثل تجاری، درمانی، آموزشی و... می‌تواند به‌صورت انفعالی ساخته شود و نیازمند تأمین کامل اولیه نیست.»

پاک کردن ماده ۵۰ یعنی پاک کردن مسئولیت دولت

وی با انتقاد از ایده حذف ماده ۵۰ گفت: «اگر ماده‌ای که دولت را مکلف به تأمین زمین و مسکن می‌کند حذف شود، یعنی دولت از زیر بار تکلیف قانونی خود شانه خالی می‌کند. نتیجه این رفتار افزایش فشار هزینه‌ای بر خانوارها، رشد قیمت مسکن، تشدید بحران مستأجری و کاهش کیفیت زندگی مردم است.»

جهانپخش افزود: «سال ۱۳۸۹ رکورد ساخت مسکن ۹۰۰ هزار واحد بود و در همان سال آمار ازدواج نیز حدود ۹۰۰ هزار مورد ثبت شد. زمانی که تولید مسکن کاهش پیدا کرد، ازدواج هم کاهش یافت. یکی از سه علت اصلی کاهش ازدواج در کشور همین بی‌ثباتی در تأمین مسکن است. دولت باید مداخله جدی، هدفمند و متعهدانه داشته باشد، نه اینکه مسئله را حذف کند.»

هم تقاضا اشتباه مدیریت شد، هم عرضه

این کارشناس گفت: «در دوپال عرضه و تقاضا، سیاست‌های وزارتخانه غلط بوده است. در تقاضا، سوداگری زمین و مسکن آزادها شده؛ درحالی که زمین کالایی است که تولید نمی‌شود، فاسد نمی‌شود، کم با سرعت نمی‌شود و همه به آن نیاز دارند. چنین کالایی باید تحت حفاظت و سیاست‌گذاری ویژه دولت باشد.»

او افزود: «برای کنترل سوداگری، ابزارهایی مثل مالیات LVT (مالیات بر زمین‌زد زمین) باید اجرا شود. این مالیات هم ابزار تنظیمی است هم منبع درآمد و می‌تواند برای تأمین زیرساخت به کار گرفته شود. اما اکنون دولت نه زمین آزاد کرده، نه جلوی تقاضای سوداگرانه را گرفته؛ بنابراین هر دو منبع تولید هم‌زمان اقتصاد خانواده را بریده‌اند.»

هزینه‌ها قابل مدیریت است، به شرط شروع کار

جهانپخش در ادامه درباره برآورد هزینه‌ها توضیح داد: «بخش اول هزینه‌ها مربوط به آماده‌سازی و زیرساخت است که در بدترین و سخت‌ترین شرایط هکتاری ۱۰ میلیارد تومان تخمین زده می‌شود. اگر این رقم را برای کل ۳۳۰ هزار هکتار در نظر بگیریم، مجموعاً ۳۳۰۰ همت برای پنج سال لازم است؛ یعنی سالانه حدود ۶۶۰ همت.»

او در پایان تصریح کرد: «بخش زیادی از این هزینه می‌تواند از طریق واگذاری زمین به طبقه متوسط و بالا تأمین شود و زمین پایه مدیریت

کرد. بخش دیگر نیز با شروع پروژه از محل ورود سایر دستگاه‌ها و مشارکت بخش خصوصی قابل جبران است. بخشی از زمین حتی می‌تواند بدون پیش‌پرداخت و قسطی به افشار فاقد توان اولیه واگذار

شود و با زیرداخت تدریجی آن صرف توسعه زیرساخت‌ها گردد.»

سه شنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۴

۱۴ شعبان ۱۴۴۷

۳ February ۲۰۲۶

چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۰۶۹

مدیر مسئول: مهدی مهرپور

کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸ ■ آدرس: خیابان آزادی - چهارراه فرصت - پلاک ۹۸ - طبقه ۶



روزهای سرنوشت‌ساز تجدیدپذیرها؛

وعده ۵۲۰۰ مگاواتی به خط پایان می‌رسد؟

گزارش

✚ با وعده رئیس ساتبا برای رسیدن ظرفیت تجدیدپذیرها به ۵۲۰۰ مگاوات تا پایان سال، حالا صنعت برق در آستانه بهمن وارد مرحله روزشماری برای تحقق این هدف شده است.

افزایش مستمر مصرف برق، وابستگی بالای شبکه به سوخت‌های فسیلی و تکرار ناترازی در فصول اوج مصرف، صنعت برق کشور را با چالش‌های ساختاری مواجه کرده است. در چنین شرایطی، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر دیگر صرفاً یک انتخاب زیست‌محیطی یا گزینه‌ای جانبی نیست، بلکه به یکی از محورهای اصلی تأمین برق پایدار و افزایش امنیت انرژی کشور تبدیل شده است. شواهد و اظهارات مسئولان و کارشناسان نشان می‌دهد که مسیر حرکت به سمت انرژی‌های پاک آغاز شده، اما تحقق اهداف تعیین شده نیازمند اصلاح فرآیندها، تأمین مالی مؤثر و هماهنگی نهادی گسترده‌تر است.

در ادامه محسن طرزطلب، رئیس سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق (ساتبا)، با اشاره به روند رو به رشد توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر در کشور اعلام کرده است که ظرفیت تولید برق تجدیدپذیر تا پایان سال به ۵۲۰۰ مگاوات خواهد رسید. به گفته او، از مجموع حدود ۳۷۰۰ مگاوات ظرفیت ایجادشده، در حال حاضر نزدیک به ۳۴۰۰ مگاوات به شبکه برق کشور تزریق می‌شود و بخشی از ظرفیت موجود به دلیل زمان‌بر بودن فرآیندها و پروتکل‌های وزارت نیرو و مدیریت شبکه، هنوز به‌طور کامل در شبکه رویت‌پذیر نشده است.

طرزطلب با تأکید بر اینکه اختلاف میان ظرفیت اعلام‌شده و

ظرفیت قابل مشاهده در شبکه، یکی از چالش‌های فعلی این حوزه است، از برگزاری جلساتی با مدیریت شبکه و بخش برق وزارت نیرو برای تسریع فرآیندها خبر داده و تصریح کرده است که حدود ۸۷۰ مگاوات از ظرفیت ایجادشده هنوز به‌صورت رسمی در شبکه قابل مشاهده نیست. وی تأکید دارد که با افزایش هماهنگی میان بخش‌های مرتبط، می‌توان سرعت اتصال نیروگاه‌ها به شبکه را به شکل محسوس‌تری افزایش داد.

رئیس ساتبا همچنین با اشاره به برنامه‌های پیش‌رو اعلام کرده است که براساس دستور وزیر نیرو و رئیس‌جمهور، تلاش می‌شود ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر حتی پیش از پایان سال و تا اواخر بهمن‌ماه به عدد قابل توجه‌تری افزایش یابد. براین اساس، حدود ۱۰۰۰ مگاوات به ظرفیت موجود افزوده خواهد شد و آیینی نیز به مناسبت دستیابی به ظرفیت ۵۲۰۰ مگاوات در بهمن‌ماه برگزار می‌شود.

شکبه را تحت فشار قرار می‌دهد.

تا پایان سال ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر به ۱۱ هزار مگاوات می‌رسد
به گفته او، هدف‌گذاری شده است که تا پایان تابستان آینده، ظرفیت تولید برق تجدیدپذیر کشور به ۱۱ هزار مگاوات برسد؛ رقمی که در مقایسه با سال‌های گذشته، نشان‌دهنده رشد‌های چندبرابری در این بخش است.

در همین رابطه، امین زنگنه، دبیر انجمن انرژی‌های تجدیدپذیریه تازگی در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی باشگاه خبرنگاران جوان، با اشاره به ظرفیت‌های گسترده کشور در حوزه انرژی‌های پاک می‌گوید: برآورد‌ها نشان می‌دهد ایران حداقل ۱۰۰ هزار مگاوات ظرفیت انرژی خورشیدی و دست‌کم ۵۰ هزار مگاوات ظرفیت انرژی بادی دارد؛ ظرفیتی که حتی از کل ظرفیت نصب‌شده شبکه برق



کشور، که حدود ۹۵ هزار مگاوات است، فراتر می‌رود این ارقام نشان می‌دهد که تنها در دو حوزه خورشیدی و بادی، پتانسیلی بیش از کل ظرفیت فعلی شبکه برق کشور وجود دارد.

زنگنه با اشاره به سایر منابع مغفول‌مانده، از ظرفیت‌های مناسب ایران در حوزه انرژی زمین‌گرمایی و نیروگاه‌های برق‌آبی کوچک سخن گفته و تأکید کرده است که این منابع نیز می‌توانند نقش مؤثری در تنوع بخشی به سبد انرژی کشور ایفا کنند.

او در ادامه با بیان اینکه ناترازی برق کشور ماهیتی فصلی دارد، توضیح می‌دهد که در زمستان، محدودیت‌ها بیشتر ناشی از کمبود سوخت نیروگاه‌های حرارتی است، بهمن‌ماه به عدد قابل توجه‌تری افزایش یابد. براین اساس، حدود ۱۰۰۰ مگاوات به ظرفیت موجود افزوده خواهد شد و آیینی نیز به مناسبت دستیابی به ظرفیت ۵۲۰۰ مگاوات در بهمن‌ماه برگزار می‌شود.

به گفته دبیر انجمن انرژی‌های تجدیدپذیر، مصرف برق کشور از حدود ۴۸ هزار مگاوات در زمستان به نزدیک ۷۸ هزار مگاوات در تابستان می‌رسد که حدود ۳۰ هزار مگاوات آن ناشی از استفاده‌های وسایل سرمایشی است. از این رو، وی تأکید می‌کند که حل‌ناترازی برق صرفاً از مسیر افزایش تولید امکان‌پذیر نیست و مدیریت سمت مصرف و اصلاح الگوی استفاده از تجهیزات بر مصرف، یک ضرورت

اجتناب‌ناپذیر است.

زنگنه با اشاره به مزیت مهم انرژی خورشیدی تصریح می‌کند که بیک تولید این نوع انرژی دقیقاً هم‌زمان با بپک مصرف برق در کشور اتفاق می‌افتد و همین موضوع می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش ناترازی ایفا کند.

با این حال، او معتقد است که این مزیت زمانی به‌طور کامل محقق می‌شود که اصلاح الگوی مصرف و جایگزینی تجهیزات کم‌بازده، به‌ویژه در بخش سرمایه‌ش، به‌صورت جدی دنبال شود.

چالش‌های توسعه تجدیدپذیرها

دبیر انجمن انرژی‌های تجدیدپذیر با اشاره به وابستگی بیش از ۹۰ درصدی تولید برق کشور به گاز طبیعی، این وضعیت را از منظر امنیت انرژی نگران‌کننده می‌داند و تأکید می‌کند که هرگونه اختلال در تأمین گاز، چه به دلیل ناترازی داخلی و چه به دلیل شرایط بحرانی، می‌تواند کل شبکه برق کشور را تحت تأثیر قرار دهد. از این منظر، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر یک ضرورت راهبردی برای کاهش ریسک‌های سیستم برق کشور محسوب می‌شود. او همچنین به برنامه‌های اعلام‌شده برای توسعه این حوزه اشاره کرد و گفت: تحقق هدف احداث ۳۰ هزار مگاوات نیروگاه تجدیدپذیر طی چهار تا پنج سال آینده، نیازمند سرمایه‌گذاری ۱۲ تا ۱۵ میلیارد دلاری است. با این حال، چالش‌هایی مانند طولانی بودن فرآیند ثبت سفارش و تخصیص ارز برای واردات تجهیزات، دشواری‌های تأمین مالی و افزایش هزینه‌ها در احداث نیروگاه‌ها در اثر نوسانات نرخ ارز، توجیه اقتصادی بسیاری از پروژه‌ها را با مشکل مواجه کرده است.

در نهایت گفتنی است، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در کشور وارد مرحله‌ای حساس و تعیین‌کننده شده است. عزم سیاست‌گذار برای افزایش سریع ظرفیت نصب‌شده، در کنار سرعت گرفتن اجرای پروژه‌ها در یک سال گذشته، نشانه‌ای از تغییر رویکرد نسبت به این حوزه است. با این حال، استمرار این روند نیازمند اصلاح بروکراسی، کوتاه‌شدن مسیرهای اداری اتصال به شبکه، ثبات در سیاست‌های ارزی و طراحی ابزارهای مالی متناسب با ماهیت بلندمدت پروژه‌های تجدیدپذیر است.

مهم‌ترین کارکرد توسعه تجدیدپذیرها برای ایران، کاهش وابستگی شبکه برق به گاز طبیعی و افزایش تاب‌آوری سیستم انرژی در برابر شوک‌های فصلی و بحران‌های احتمالی است. در کنار آن، هم‌زمانی تولید انرژی خورشیدی با اوج مصرف تابستانی، مزیتی است که می‌تواند بخشی از فشار وارد

بر شبکه را به‌صورت مستقیم کاهش

دهد؛ مشروط بر آنکه سیاست‌های مدیریت مصرف نیز هم‌زمان و جدی دنبال شود. در مجموع، انرژی‌های تجدیدپذیر در ایران از یک گزینه مکمل به یک ضرورت اقتصادی و

راهبردی تبدیل شده‌اند. دستیابی به اهدافی مانند ۱۱،۵۲۰ هزار و حتی ۳۰ هزار مگاوات ظرفیت نصب‌شده، مستلزم تصمیم‌گیری‌های سریع‌تر، هماهنگی نهادی بیشتر و رفع موانع تأمین مالی انرژی است. در صورت تحقق این پیش‌نیازها، انرژی‌های پاک می‌توانند به یکی از ارکان اصلی تأمین برق پایدار کشور تبدیل‌شده و نقش مهمی در عبور از ناترازی مزمن برق ایفا کنند.

توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در کشور وارد مرحله‌ای حساس و تعیین‌کننده شده است.

عزم سیاست‌گذار برای افزایش سریع ظرفیت

نصب‌شده، در کنار سرعت

گرفتن اجرای پروژه‌ها در یک

سال گذشته، نشانه‌ای از

تغییر رویکرد نسبت به این

حوزه است

تعمیرات نیروگاهی؛ الزام راهبردی برای عبور اینم از اوج مصرف برق

✚ تعمیرات نیروگاهی امروزه فراتر از یک فعالیت فنی معمول، به یک ضرورت راهبردی برای صنعت برق کشور تبدیل شده است. موفقیت در اجرای این برنامه‌ها، تضمین‌کننده پایداری شبکه، تأمین مطمئن برق و عبور کم‌ریسک از روزهای گرم پیش‌رو خواهد بود. آمادگی فنی نیروگاه‌ها برای عبور مطمئن از یک مصرف برق به یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های پایداری شبکه برق تبدیل شده است. در چنین شرایطی، تعمیرات نیروگاهی به‌عنوان یک اقدام پیشگیرانه و حیاتی، نقش تعیین‌کننده‌ای در تضمین تداوم تولید و جلوگیری از بروز خاموشی‌های ناخواسته ایفا می‌کند. به همین منظور، برنامه‌های تعمیراتی صنعت برق با حداکثر توان و در بازه زمانی فشرده در حال اجراست. در همین راستا، مسعود مرادی سرپرست معاونت راهبری تولید شرکت برق حرارتی بیان کرد: ما در یک رقابت مستقیم با زمان قرار داریم. محدودیت‌های موجود، گرمای زودرس، دلیل روشنی برای اتمام واحدهای تحت تعمیر تا حداکثر تا نیمه اردیبهشت بوده و باید تمامی ظرفیت‌های کشور با ظرفیت کامل وارد مدار شوند.

تسریع در پایان پروژه‌های تعمیراتی همه مناطق کشور مورد تأکید است
او با تأکید بر نقش حیاتی نیروگاه‌های مناطق گرمسیر افزود: اولویت اول ما، استان‌های جنوبی کشور است. تسریع در پایان پروژه‌های تعمیراتی همه مناطق کشور مورد تأکید است ولی اولویت بخشی به مناطق گرم باید با جدیت دنبال شود تا در آن نواحی پایداری شبکه پایدارتری داشته باشیم. سرپرست معاونت راهبری تولید صنعت برق حرارتی اظهار کرد: روند اقدامات با شاخص کیفی مطلوب است ولی انتظار جدی است که با تمام‌توان به سرانجام برسند چراکه این مجموعه‌های توانمند، با زوان فضای صنعت برق حرارتی کشور هستند.

تعمیرات نیروگاهی

بررسی فنی شرایط شبکه برق کشور نشان می‌دهد که تعمیرات به‌موقع و اصولی واحدهای نیروگاهی، یکی از مؤثرترین ابزارها برای افزایش قابلیت‌امتیان تولید و کاهش ریسک خروج اضطراری واحدها در زمان اوج مصرف است. در واقع، هرواحد نیروگاهی که پیش از ورود به فصل گرم به‌طور کامل آماده بهره‌برداری شود، به منزله افزایش ذخیره عملی شبکه و ارتقای تاب‌آوری سیستم برق کشور خواهد بود. اهمیت ویژه نیروگاه‌های مناطق گرمسیر نیز از منظر کارشناسی کاملاً قابل توجه است. دمای بالای محیط، فشار مضاعف بر تجهیزات دوار و کاهش راندمان واحدها، لزوم انجام تعمیرات دقیق‌تر و زودبهدنگام‌تر در این مناطق را دوچندان می‌کند. اولویت‌بندی این نیروگاه‌ها، تصمیمی مبتنی بر ملاحظات فنی و اصول بهره‌برداری پایدار از شبکه سراسری است. تعمیرات نیروگاهی به‌دست متخصصان داخلی کشور که سبب خروج ارز از کشور می‌شود و در همین رابطه هم به تازگی محمد باقر لطفی سرپرست شرکت تعمیرات نیروگاهی ایران در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی باشگاه خبرنگاران جوان گفته است: اولویت اصلی مادر چارچوب برنامه ملی تقویت آمادگی واحدهای نیروگاهی، بسیج تمام توان و ظرفیت‌های پایدار و آماده‌سازی تولید در بیک مصرف آینده است. مصداق عینی این تلاش، اجرای فعالیت‌های تعمیراتی گسترده در سایت‌های نیروگاهی بیش از ۱۱ استان کشور با ظرفیت کلی بیش از ۲۸۰۰ مگاوات است.

بی‌اعتنایی به قانون است.

۳. پایان استعمار نیروهای شرکتی؛ حذف پیمانکاران و تبدیل وضعیت

وضعیت میلیون‌ها نیروی کار شرکتی، یکی از مزمن‌ترین اشکال بی‌عدالتی در ساختار اداری و استخدامی کشور است.

مطالبه جامعه کارگری در این خصوص روشن، شفاف و غیرقابل تفسیر است:

حذف پیمانکاران نیروی انسانی

اعلام رسمی و شفاف سازوکار تبدیل وضعیت اجرای فوری و زمان‌بندی شده توسط دولت

این اقدام، امتیاز یا لطف نیست؛ بلکه باید کاران دادن به دیده بهره‌کنشی سازمان یافته، سکوت و ترک فعل مسئولان است.

این سه محور، «مطالبه» نیستند؛ حقوقی هستند که سال‌ها پامال شده‌اند.

بدیهی است در صورت اجرای این حقوق بنیادین، جامعه کارگری سایر حقوق مغفول و معوق را نیز نه از سر هیجان، بلکه با استناد به قانون پیگیری خواهد کرد؛ از جمله «مهارت‌افزایی روزآمد کارگران با اولویت ارتقای تخصص و حرفه‌ای شدن در کلاس ملی و بین‌المللی»، «اجرای طرح

طبقه‌بندی مشاغل که بنا بر واقعیت‌های میدانی، بیش

تداوم تعویق این حق، مصداق روشن‌ترک فعل و